Journal of Police Medicine

Autumn 2017; Vol. 6, No. 3: 161-166

Original Article

Correlation of Alexithymia and Positive Cognitive Emotion Regulation Strategies in Prisoners

Received: 9 October 2016 **Revised:** 10 May 2017 **Accepted:** 17 June 2017

Mahshid Sasanpour[1]
Amir Azizi[2*]

[1]PhD, Department of Psychology, Humanities Faculty, Isfahan Pardis of Fatemeh Zahra, Farhangian University, Isfahan, Iran.

[2]PhD, Department of Psychology, Humanities Faculty, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

ABSTRACT

Aim: Alexithymia as a disability in the processing of cognition and regulation of emotions is associated with a large number of mental and physical disorders. The present study was conducted with the aim of investigating the alexithymia correlation with positive strategies of cognitive emotion regulation in prisoners.

Instrument and Methods: This descriptive correlation study was carried out in all prisons in the prisons of Darband City, Iran, in 2013. Using available sampling method, 100 individuals were selected as samples. Alexithymia and positive strategies of cognitive emotion regulation questionnaires were used for data collection. Data were analyzed in SPSS 18 software using Pearson correlation coefficient and multiple regression tests.

Findings: Total mean of alexithymia was 55.40±14.30 and positive strategy of cognitive emotion regulation was 63.46±8.86. Positive strategy of cognitive emotion had a significant positive correlation with the difficulty in identifying the emotions (r=0.27; p=0.01) and a significant negative correlation with objective thinking (r=-0.29; p=0.01). 29.0% of the variance related to the positive strategy of cognitive emotion regulation was determined by alexithymia components (r=7.316; p=0.001). 27.3% of the variance of the positive strategy of cognitive emotion regulation was predicted by the objective thinking (p=0.005; t=-2.888) and the difficulty in identifying the emotions, could not predict the positive strategy of cognitive emotion regulation (p=0.256).

Conclusion: There are correlations between positive strategies of cognitive emotion regulation and difficulty in identifying the emotions and objective thinking; and objective thinking can predict the use of positive strategies of cognitive emotion regulation in prisoners.

[*]**Corresponding Author:**
Amir Azizi
Tel: (+98) 413476663
Email: amir28144@gmail.com

Keywords: Alexithymia, Emotion, Cognition, Prisoners

پاییز ۱۳۹۶- دوره ۶- شماره ۳- صفحات ۱۶۶-۱۶۱

مجله طب انتظامی

مقاله تحقیقی

همبستگی ناگویی خلقی با راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان در زندانیان

تاریخ دریافت: ۱۸ مهر ۱۳۹۵ **تاریخ اصلاح:** ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ **تاریخ پذیرش:** ۲۷ خرداد ۱۳۹۶

چکیده

اهداف: ناگویی خلقی به منزله ناتوانی در پردازش شناخت‌ها و تنظیم هیجان‌ها، با شمار زیادی از اختلال‌های روانی و بدنی مرتبط است. پژوهش حاضر با هدف بررسی همبستگی ناگویی خلقی با راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان در زندانیان انجام شد.

ابزار و روش‌ها: این پژوهش توصیفی همبستگی در کلیه زندانیان کیفری در زندان شهرستان دربند در سال ۱۳۹۲ انجام شد و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه ناگویی خُلقی و پرسش‌نامه راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان استفاده شد. داده‌ها در قالب نرم‌افزار SPSS 18 با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین ناگویی خلقی کل ۱۴/۳۰±۵۵/۴۰ و راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان ۸/۸۶±۶۳/۴۶ محاسبه شد. بین راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان با خرده‌مقیاس دشواری در تشخیص احساسات همبستگی معنی‌دار مثبت (r=۰/۲۷؛ p=۰/۰۱) و با خرده‌مقیاس تفکر عینی همبستگی معنی‌دار منفی (r=-۰/۲۹؛ p=۰/۰۱) مشاهده شد. ۲۹/۰٪ واریانس مربوط به راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان توسط مولفه‌های ناگویی خلقی تبیین شد (F=۷/۳۱۶؛ p=۰/۰۰۱). ۲۷/۳٪ واریانس راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان توسط مولفه تفکر عینی پیش‌بینی شد (t=-۲/۸۸۸؛ p=۰/۰۰۵) و مولفه دشواری در تشخیص احساسات، قادر به پیش‌بینی راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان نبود (p=۰/۲۵۶).

نتیجه‌گیری: بین راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و مولفه‌های دشواری در تشخیص احساسات و تفکر عینی همبستگی وجود دارد و تفکر عینی می‌تواند نحوه به‌کارگیری راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را در زندانیان پیش‌بینی نماید.

کلیدواژه‌ها: ناگویی خلقی، هیجان، شناخت، زندانیان

مهشید ساسان‌پور[۱]

امیر عزیزی[۲*]

[۱] گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، پردیس فاطمه‌الزهرا(س) اصفهان، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران.

[۲] گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

[*]نویسنده مسئول:

امیر عزیزی

تلفن: ۴۱۳۴۷۶۶۶۳ (۹۸+)

پست الکترونیک:

amir28144@gmail.com

مقدمه

روان‌شناسی یکی از محورهای اصلی جرم‌شناسی به‌حساب می‌آید. نقش روان‌شناس در تبیین پدیده جرم از زمانی برجسته شد که مجرمان را نه‌تنها از زاویه قضایی، بلکه از دیدگاه روانی و عاطفی نیز مورد بررسی قرار دادند و به‌جای آنکه به قضاوت درباره جرم به عنوان یک عمل مجزا پرداخته شود، بررسی وضعیت هیجانی مجرم نیز مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر اگرچه دستگاه قضایی به قضاوت درباره یک جرم می‌پردازد؛ اما چاره‌ای جز آن ندارد که علاوه بر رفتار مجرمانه فرد، به خصوصیات عاطفی- شناختی و چگونگی تنظیم هیجان‌های وی نیز توجه داشته باشد [۱]. ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها، ناگویی خلقی نامیده

Journal of Police Medicine
Autumn 2017; Vol. 6, No. 3: 161-166

می‌شود. ناگویی خلقی سازه‌ای است چندوجهی متشکل از دشواری در شناسایی احساسات و تمایز بین احساسات و تهییج‌های بدنی مربوط به انگیختگی هیجانی؛ دشواری در توصیف احساسات برای دیگران؛ قدرت تجسم محدود که برحسب فقر خیال‌پردازی‌ها مشخص می‌شود؛ سبک شناختی عینی (غیر تجسمی)، عمل‌گرا و واقعیت مدار یا تفکر عینی است [۲]. افراد مبتلا به ناگویی خلقی، تهییج‌های بدنی بهنجار را بزرگ می‌کنند، نشانه‌های بدنی انگیختگی هیجانی را بد تفسیر می‌کنند، درماندگی هیجانی را از طریق شکایت‌های بدنی نشان می‌دهند و در اقدامات درمانی نیز به دنبال درمان نشانه‌های جسمانی هستند [۳].

ناگویی خلقی به منزله ناتوانی در پردازش شناخت‌ها و تنظیم هیجان‌ها، با شمار زیادی از اختلال‌های روانی و بدنی [۴] و همچنین با تنظیم شناختی هیجان مرتبط است. تنظیم هیجان به عنوان یکی از مولفه‌های مهم روان‌شناختی در افراد دارای سابقه کیفری مطرح می‌باشد. تنظیم هیجان شامل همه راهبردهای آگاهانه و غیرآگاهانه می‌شود که برای افزایش، حفظ و کاهش مولفه‌های هیجانی، رفتاری و شناختی یک پاسخ هیجانی به کار برده می‌شود و به توانایی فهم هیجانات و تعدیل تجربه و ابراز هیجانات اشاره دارد [۵]. تنظیم هیجان وجه ذاتی گرایش‌های پاسخ‌های هیجانی است [۶]. گارنفسکی و همکاران مولفه‌های تنظیم هیجان را به ۲ دسته راهبردهای انطباقی و غیرانطباقی تقسیم کردند. مولفه‌های غیرانطباقی شامل فاجعه‌شماری، خود سرزنشگری، نشخوار فکر و سرزنش دیگری و مولفه‌های تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و کم‌اهمیت به عنوان سبک‌های مقابله‌ای انطباقی طبقه‌بندی می‌شوند. به طور کلی، افراد با به‌کارگیری راهبردهای انطباقی در تنظیم هیجان‌های خود، با تمرکز بر روی جنبه‌های خوشایند، عاطفه منفی کمتری را گزارش می‌کنند [۷].

برخی مطالعات صورت گرفته در زمینه تنظیم شناختی هیجان، ناگویی خلقی را معادل دشواری در خودنظم‌دهی هیجانی یا ناتوانی در پردازش اطلاعات هیجانی و نظم‌دهی هیجان‌ها دانسته‌اند چرا که نظم‌دهی هیجان به عنوان یک سازه چندبعدی مورد توجه قرار گرفته است. این سازه شامل آگاهی و فهم و پذیرش هیجان‌ها، توانایی مهار رفتارهای برانگیخته و به‌کارگیری راهبردهای نظم‌دهی هیجانی مناسب است [۸]. در صورتی که بزهکاران دقت بیشتری در برچسب‌زنی حالات هیجانی دیگران به خرج دهند، با کنترل خشم و تکانشوری قادر به درک و شناسایی هیجانات خود و دیگران خواهند بود و همچنین مشکلات آن‌ها در کنترل خشم و پایه‌ریزی روابط معنادار با دوستان خود به نحو مسالمت‌آمیزی برطرف می‌شود [۹]. یی و همکاران نیز نشان دادند که افراد دارای امتیازهای بالا در مقیاس ناگویی خلقی که دچار اشکال در توصیف احساسات هستند بیش از افراد واجد امتیازهای پایین از راهبردهای مقابله منفی استفاده می‌کنند [۱۰]. دوبای و همکاران دریافتند که ناگویی خلقی با سبک‌های سازش‌نایافته نظم‌دهی هیجان‌ها همبستگی مثبت و با رفتارهای سازش‌یافته (تفکر در مورد فهم احساسات درمانده‌ساز) همبستگی منفی دارد [۱۱].

با توجه به بی‌ثباتی هیجانی بسیاری که افراد زندانی از خود نشان می‌دهند، بررسی ناگویی خلقی افراد زندانی و ارتباط آن با راهبردهای شناختی تنظیم هیجانی افراد مذکور اهمیت زیادی دارد. تفاوت چندانی نمی‌کند که ناگویی خلقی، اولیه باشد یا ثانویه؛ صفت باشد یا حالت، بلکه به دلیل اهمیت بالینی و نظری، این متغیر همچنان در زمینه‌های مختلف نیازمند بررسی و پژوهش است. علاوه بر این در خصوص موضوع مورد بحث در کشور ما مستقیماً مطالعه‌ای صورت نگرفته است و همچنین وجود خلاءهایی در ادبیات پژوهشی حوزه زندانیان، انجام مطالعات بیشتر را ضروری می‌سازد. به علاوه این پژوهش می‌تواند در حوزه طب انتظامی مورد استفاده قرار گیرد و به شناخت بهتر ویژگی‌های ناشی از ناگویی خلقی زندانیان و ارتباط آن با تنظیم هیجان منجر شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی همبستگی ناگویی خلقی با راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان در زندانیان انجام شد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش توصیفی- همبستگی در کلیه زندانیان کیفری در زندان شهرستان دربند در سال ۱۳۹۲ انجام شد. با توجه به اینکه برای اعتبار معادلات در مطالعات علوم اجتماعی به ازای هر متغیر پیش‌بین می‌بایست حدود ۱۵ مشارکت‌کننده وجود داشته باشد [۱۲]، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در این مطالعه با توجه به حضور مسئولین و پرسنل زندان، کلیه پرسش‌نامه‌ها تکمیل شد و ریزشی وجود نداشت.

در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های ناگویایی خُلقی و راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان استفاده شد.

پرسش‌نامه ناگویایی خُلقی: این پرسش‌نامه ۲۰سئوالی توسط بگبی و همکاران [۱۳] ساخته شده است و ناگویی خلقی را در ۳ خرده‌مقیاس "دشواری در شناسایی احساسات" (۷ ماده)، "دشواری در توصیف احساسات" (۵ ماده) و "تفکر عینی" (۸ ماده) در مقیاس ۵درجه‌ای لیکرت از "کاملاً مخالف" (۱ امتیاز) تا "کاملاً موافق" (۵ امتیاز) می‌سنجد. امتیاز کل نیز از جمع امتیازهای ۳ خرده‌مقیاس برای

مجله طب انتظامی
پاییز ۱۳۹۶- دوره ۶- شماره ۳- صفحات ۱۶۶-۱۶۱

ناگویی خلقی کلی محاسبه می‌شود که امتیاز بالاتر نشان‌دهنده شدت بیشتر ناگویی خلقی است [۱۳]. بشارت پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی خلقی کلی ۰/۸۵ و مولفه‌های دشواری در شناسایی احساسات ۰/۸۲، دشواری در توصیف احساسات ۰/۷۵ و تفکر عینی ۰/۷۲ محاسبه کرده است [۱۴].

پرسش‌نامه راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان: این پرسش‌نامه توسط گارنفسکی و همکاران به منظور ارزیابی نحوه تفکر بعد از تجربه رخدادهای تهدیدکننده یا استرس‌زای زندگی تهیه شده است [۷]. در این پرسش‌نامه راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و مولفه‌های آن (تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و کم‌اهمیت) اندازه‌گیری می‌شود. این پرسش‌نامه دارای ۱۶ سئوال است و براساس مقیاس ۵درجه‌ای از هرگز تا همیشه امتیازگذاری می‌شود. حداقل و حداکثر امتیاز در هر خرده‌مقیاس به ترتیب صفر و ۱۰ است و امتیاز بالاتر نشان‌دهنده استفاده بیشتر فرد از آن راهبرد شناختی است. همچنین پرسش‌نامه راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان از اعتبار و پایایی مناسب و رضایت‌بخشی برای استفاده در فرهنگ ایرانی برخوردار است؛ به طوری که اعتبار و پایایی این پرسش‌نامه در نوجوانان ایرانی بررسی شده و ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۳ گزارش شده است [۱۵].

در پژوهش حاضر برای تعیین پایایی از روش بازآزمایی استفاده شد؛ به این منظور پرسش‌نامه مذکور توسط ۱۵ نفر از زندانیان که دارای مشخصات یکسان با نمونه‌های پژوهش بودند، تکمیل و به فاصله ۱۰-۷ روز بعد، مجدداً توسط همان افراد تکمیل شد. سپس ضریب همبستگی پرسش‌نامه‌ها محاسبه شد. ضریب همبستگی برای پرسش‌نامه ناگویی خلقی و راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۸۳ به دست آمد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ها پس از مطالعه و بررسی ۱۰ تن از اساتید دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی تبریز و انجام اصلاحات لازم مورد تایید قرار گرفت.

به منظور اجرای پژوهش پس از صدور مجوزهای لازم از سوی دانشگاه تبریز و موافقت مسئولین زندان، پرسش‌نامه‌ها توسط پرسنل زندان که آموزش‌های لازم را جهت توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها دیده بودند، میان جامعه مورد نظر توزیع و بلافاصله پس از تکمیل دریافت شد.

نرمال‌بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف مورد تایید قرار گرفت. داده‌ها در قالب نرم‌افزار SPSS 18 با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون (برای بررسی همبستگی راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان با مولفه‌های ناگویی خلقی) و رگرسیون چندگانه (برای پیش‌بینی راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان براساس مولفه‌های ناگویی خلقی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

میانگین ناگویی خلقی کل ۱۴/۳۰±۵۵/۴۰ و راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان ۸/۸۶±۶۳/۴۶ محاسبه شد (جدول ۱). بین راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان با خرده‌مقیاس دشواری در تشخیص احساسات همبستگی معنی‌دار مثبت (r=۰/۲۷؛ p=۰/۰۱) و با خرده‌مقیاس تفکر عینی همبستگی معنی‌دار منفی (r=-۰/۲۹؛ p=۰/۰۱) مشاهده شد. راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان با خرده‌مقیاس دشواری در توصیف احساسات همبستگی معنی‌داری نداشت (r=-۰/۱۶؛ p=۰/۴۲۶).

۲۹/۰٪ واریانس مربوط به راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان توسط مولفه‌های ناگویی خلقی تبیین شد (F=۷/۳۱۶؛ p=۰/۰۰۱). ۲۷/۳٪ واریانس راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان توسط مولفه تفکر عینی پیش‌بینی شد (t=-۲/۸۸۸؛ p=۰/۰۰۵) و مولفه دشواری در تشخیص احساسات قدرت پیش‌بینی راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان را نداشت (p=۰/۲۵۶).

جدول ۱) میانگین راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و ناگویی خلقی

شاخص	میانگین
راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان	
تمرکز مجدد مثبت	۱۴/۰۴±۳/۵۱
تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	۱۸/۴۹±۴/۲۳
ارزیابی مجدد مثبت	۱۰/۵۳±۳/۹۷
پذیرش	۱۰/۳۸±۳/۴۶
کم‌اهمیت	۱۰/۰۲±۳/۷۴
ناگویی خلقی	
دشواری در تشخیص احساسات	۲۰/۵۶±۸/۲۸
دشواری در توصیف احساسات	۱۵/۳۱±۴/۷۱
تفکر عینی	۱۹/۵۲±۴/۸۲

بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین برخی مولفه‌های ناگویی خلقی (دشواری در تشخیص احساسات و تفکر عینی) و راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان در زندانیان مورد مطالعه، همبستگی معناداری وجود داشت. همچنین در تحلیل رگرسیون مشخص شد که مولفه تفکر عینی، راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان افراد زندانی را بهتر از سایر مولفه‌ها پیش‌بینی می‌کرد؛ به طوری که از حدود ۲۹/۰٪ واریانس مربوط به راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان توسط

Journal of Police Medicine
Autumn 2017; Vol. 6, No. 3: 161-166

مولفه‌های ناگویی خلقی، ۲۷/۳٪ مربوط به مولفه تفکر عینی بود. در تبیین این یافته اشاره به این مطلب ضروری به نظر می‌رسد که افراد مبتلا به ناگویی خلقی با وجود شرایطی که در آن به سر می‌برند مانند تصور در جهانی از هیجان‌های نامتمایز که در درون خود احساس می‌کنند، ناگزیرند سبک شناختی خود را به سمت جهان بیرون تغییر دهند؛ جهانی مملو از واقعیت‌های عینی و موضوعات مادی و واقعی. بنابراین هرچند، قدرت تخیلات و کاربرد نمادها در این افراد بسیار ضعیف است و کلام آن‌ها از نظر محتوا سطحی و مربوط به زمان حال است؛ اما به این دلیل که افکارشان منشأ بیرونی دارد و وقایع را به محرکات بیرونی ارجاع می‌دهند؛ بسیاری از زندانیان پس از گذراندن دوره حبس در زندان، فرا می‌گیرند که چگونه هیجان‌های مخربی همچون خشم و اضطراب را به درستی کنترل کنند و از راهبردهای کارآمد تنظیم شناختی، همچون تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر طراحی، ارزیابی مثبت، پذیرش و کم‌اهمیت، در جبران این نقص و تنظیم و شکل‌گیری هیجانات خود بهره گیرند و از این طریق با ارزیابی درست رویدادها باعث برانگیختگی هیجانات نامناسب و در نتیجه ارتکاب جرم مجدد نشوند.

طبق یافته‌های مطالعه حاضر، مولفه دشواری در تشخیص احساسات نتوانست تغییرات مربوط به راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را به صورت معنادار پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج حاصل از مطالعات سوارت و همکاران و همچنین مطالعات موتان و همکاران همسو می‌باشد [۲، ۱۶]. به اعتقاد این پژوهشگران ناگویی خلقی ساختاری است که احتمالاً با کنترل هیجان مرتبط است، زیرا ناگویی خلقی، عدم ابراز هیجان به دلیل نقص در توانایی پردازش و تنظیم هیجان‌ها یا بازداری آگاهانه‌تر ابراز هیجان است. در واقع افراد مبتلا به ناگویی خلقی قادر به تشخیص احساسات و هیجان‌های خود نیستند. آن‌ها در درون خود هیجان‌های نیرومندی مثل غم، خشم، نفرت و شادی را تجربه می‌کنند اما در عکس‌العمل‌های خود در شناسایی اینکه چه عاملی مسبب آن‌ها بوده است، ناتوان هستند. در واقع این افراد به صورت مبهم و غیرمتمایز هیجان‌ها را در درون خویش حس می‌کنند و این در حالی است که قابلیت‌های هیجانی می‌تواند سازگاری مناسبی را در ارتباط با محیط و دیگران به همراه داشته باشد. به این ترتیب مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر، مولفه دشواری در تشخیص احساسات زندانیان مانع به‌کارگیری راهبردهای انطباقی در تنظیم و بیان هیجان است [۲، ۱۶].

طبق یافته‌های مطالعه حاضر، مولفه دشواری در توصیف احساسات نتوانست تغییرات مربوط به راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را به صورت معنادار پیش‌بینی کند. این یافته با برخی تحقیقات صورت گرفته در این زمینه همسو بود. یی و همکاران طی مطالعه‌ای دریافتند که افراد دارای امتیازهای بالا در مقیاس ناگویی خلقی که دچار اشکال در توصیف احساسات هستند بیش از افراد واجد امتیازهای پایین از راهبردهای مقابله منفی استفاده می‌کنند [۱۰]. دوبای و همکاران نشان دادند که ناگویی خلقی با سبک‌های سازش نایافته نظم‌دهی هیجانی و مولفه‌های آن (فاجعه‌شماری، خود سرزنشگری، نشخوار فکر و سرزنش دیگری) همبستگی مثبت و با رفتارهای سازش‌یافته (تفکر در مورد فهم احساسات درمانده‌ساز) همبستگی منفی دارد [۱۱]. علاوه بر این شاهقلیان و همکاران در مطالعه‌ای نشان دادند، ناگویی خلقی به منزله ناتوانی در پردازش شناخت‌ها و تنظیم و توصیف هیجان‌ها، با سرکوبگری هیجانی و مولفه نشخوار فکر (راهبرد منفی) رابطه مثبت معناداری دارد [۱۷].

در تبیین این یافته‌ها می‌توان عنوان کرد که ناگویی خلقی یک ویژگی شناختی- عاطفی است و زندانیان مبتلا به آن در تنظیم و فهم هیجان‌های خود ناتوان هستند. زمانی که اطلاعات هیجانی نتوانند در فرآیند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی شوند، زندانیان از نظر عاطفی- شناختی دچار آشفتگی و درماندگی شده و این ناتوانی می‌تواند سازمان عواطف و شناخت‌های آنان را مختل سازد [۱۴]؛ به طوری‌که این افراد به دلیل عدم آگاهی هیجانی و ناتوانی در پردازش شناختی احساسات خود، معمولاً قادر به توصیف، درک و یا بیان هیجان‌های خویش نیستند و توانایی محدودی در سازگاری با شرایط تنش‌زا دارند. یکی از روش‌های کنترل تنش خصوصاً در مورد هیجان‌های منفی، تخلیه و بیان هیجان ناشی از تنش است. در صورتی که این هیجان‌ها تخلیه نشوند و فرد نتواند احساسات منفی خود را به صورت کلامی بیان کند، جزء روان‌شناختی سیستم‌های ابراز هیجان و پریشانی روانی از جمله افسردگی و اضطراب افزایش می‌یابد. افرادی که توانایی شناخت احساسات خود را دارند و حالت‌های هیجانی خود را به گونه موثری ابراز می‌کنند، بهتر می‌توانند با مشکلات زندگی روبه‌رو شوند و در سازگاری با محیط و دیگران موفق‌ترند که در نتیجه، این افراد از سلامت روانی بیشتری برخوردار خواهند بود [۱۷].

شاید یکی از مهم‌ترین کاستی‌های این پژوهش، بررسی صرف ابعاد ناگویی خلقی و نادیده گرفتن سایر متغیرهای موثر در پیش‌بینی راهبردهای انطباقی تنظیم هیجان در میان زندانیان بود. علاوه بر این پژوهش حاضر تنها بر روی زندانیان کیفری شهرستان دربند انجام شده و تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. در این پژوهش، فرایندهای شناختی هشیار مانند تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و کم‌اهمیت مدنظر قرار گرفت؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگر همسو با این موضوع متغیرهای دیگر تاثیرگذار بر راهبردهای انطباقی تنظیم هیجان، به عنوان مثال تخلیه هیجانی موثر را مدنظر قرار داده و

مجله طب انتظامی
پاییز ۱۳۹۶- دوره ۶- شماره ۳- صفحات ۱۶۶-۱۶۱

تاثیر آن با سایر عوامل روان‌شناختی موثر بر راهبردهای ناکارآمد مقابله‌ای را مورد بررسی قرار دهند. همچنین با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع توصیفی بود، برای تایید رابطه علت و معلولی نیاز به مطالعاتی گسترده‌تری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

بین راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و مولفه‌های دشواری در تشخیص احساسات و تفکر عینی همبستگی وجود دارد و تفکر عینی می‌تواند نحوه به‌کارگیری راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را در زندانیان پیش‌بینی نماید.

منابع

1- Gholamrezay S, Azizi A, Esmaeli M, Esmaeli S, Peyda N. Nature's role in predicting quality of Positive cognitive emotion regulation strategies in prisoners. Q J Soc Work. 2014;3(3);31-8. [Persian]

2- Swart M, Kortekaas R, Aleman A. Dealing with feelings: Characterization of trait alexithymia on emotion regulation strategies and cognitive-emotional processing. J Plos One. 2009;4(6):e5751.

3- Humphreys TP, Wood LM, Parker JD. Alexithymia and satisfaction in intimate relationships. J Personal Individ Differ. 2009;46(1):43-7.

4- Coolidge FL, Estey AJ, Segal DL, Marle PD. Are alexithymia and schizoid personality disorder synonymous diagnoses?. Compr Psychiatry. 2013;54(2):141-8.

5- Gross JJ. The emerging field of emotion regulation: An integrative review. J Rev Gen Psychol. 1998;2(3):271-99.

6- Amstadter A. Emotion regulation and anxiety disorders. J Anxiety Disord. 2008;22(2):211-21.

7- Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven P. Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. J Personal Individ Differ. 2001;30(8):1311-27.

8- Gratz KL, Roemer L. Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. J Psychopathol Behav Assess. 2004;26(1):41-54.

9- Moriarty N, Stough C, Tidmarsh P, Eger D, Dennison S. Deficits in emotional intelligence underlying adolescent sex offending. J Adolesc. 2001;24(6):743-51.

10- Yi J, Luo YZ, Zhong MT. Characteristics of affective priming effect in alexithymics. Chinese Ment Health J. 2007;21(5):302.

11- Dubey A, Pandey R, Mishra K. Role of emotion regulation difficulties and positive/negative affectivity in explaining alexithymia-health relationship: An overview. J Soc Sci Res. 2010;7(1):20-31.

12- Tabachinck BG, Fidell LS. Using multivariate statistics. 6th edition. Boston: Person Education; 2013.

13- Bagby RM, Taylor GJ, Parker JD. The twenty-item Toronto alexithymia scale—II. convergent, discriminant, and concurrent validity. J Psychosom Res. 1994;38(1):33-40.

14- Besharat MA. Psychometric properties of Farsi version of the emotional intelligence scale-41 (FEIS-41). J Personal Individ Differ. 2007;43(5):991-1000.

15- Abolghasemi A, Alah Gholilo K, Narimani M, Zahed A. Emotion regulation strategies in substance abusers with high and low reactivity. J Guilan Univ Med Sci. 2011;20(77):15-22. [Persian]

16- Motan İ, Gençöz T. The relationship between the dimensions of alexithymia and the intensity of depression and anxiety. Turkish J Psychiatry. 2007;18(3):1-11.

17- Shahgholian M, Moradi A, Kafee M. Relationship of alexithymia with emotional expression styles and general health among university students. Iran J Psychiatry Clin Psychol. 2007;13(3):238-48. [Persian]